

درباره جواد اسدا...زاده که یکی از شهدای مشهدی حادثه بمب گذاری دفتر حزب جمهوری اسلامی است

# اقتصاددان شهید، یار «بهشتی»

بیات| ساعت ۲۰:۳۰ هفتم تیر۱۳۶۰ جلسه‌ای در سالن اجتماعات دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی واقع در سرچشمه تهران برگزار می‌شود. موضوع جلسه تورم و انتخابات ریاست جمهوری آینده است. پس از تلاوت قرآن و اعلام برنامه، آیتا... سیدمحمد حسینی بهشتی سخنانش را به این شکل آغاز می‌کند: «ما بار دیگر نباید اجازه دهیم استعمارگران برای ما مهره سازی کنند و سرنوشت مردم ما را به بازی بگیرند. تلاش کنیم کسانی که متعهد به مکتب هستند و سرنوشت مردم را به بازی نمی‌گیرند، انتخاب شوند...» که در همین لحظه، انفجار مهیبی سالن اجتماعات را ویران می‌کند.

در این بمب‌گذاری آیتا... بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور و دبیرکل حزب جمهوری اسلامی و ۷۲تن از اعضای حزب جمهوری اسلامی که در مجلس شورای اسلامی یاهیت دولت عضویت داشتند، به شهادت می‌رسند؛ جواد اسدا...زاده، معاون بازرگانی خارجی وزارت بازرگانی، یکی از آن هاست. چهل‌وسومین سالگرد حادثه بمب‌گذاری دفتر حزب جمهوری اسلامی بهانه‌ای شد تا به این شهید مشهدی آرمیده در حرم مطهررضوی بپردازیم.

## دانشجوی مشهدی در آمریکا

جواد اسدا...زاده، فرزند غلامرضا، متولد سال ۱۳۲۹ در مشهد است. تحصیلات ابتدایی خود را در دبیرستان ادیب شروع می‌کند وپس از اتمام، برای گذراندن دوره متوسطه به دبیرستان ابن یمن می‌رود. از دانش آموزان ممتاز و فعال است و با شرکت در کنکور در رشته اقتصاد دانشگاه تهران پذیرفته می‌شود. پیشینه مذهبی و اعتقاداتش او را به سمت تشکل های اسلامی دانشگاه رهنمون می‌کند و همراه آن ها، کتابخانه اسلامی دانشگاه تهران را راه می‌اندازد. او یکی از حاضران همیشگی کلاس های درس اسلام شناسی دکترعلی شریعتی است و باور دارد که رمز موفقیت و پیروزی در تبعیت از اسلام و قرآن نهفته است. بعد از پایان خدمت سربازی برای ادامه تحصیل عازم آمریکا می‌شود. اسدا...زاده در پنج سال حضورش در آمریکا به یکی از فعال ترین اعضای انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا تبدیل می‌شود و با همکاری چندتن از دانشجویان مسلمان مقیم این کشور، انجمن اسلامی دانشجویان را در پنج شهر آمریکا پایه‌گذاری می‌کند.

## عکس امام(ره) بر سر در سفارت ایران

هنوز خاطره اقامه نماز جماعت به امامت او در ایالت محل تحصیلش در اذهان دانشجویان آن مقطع باقی مانده است که چگونه توانست این آیین الهی را با حضور هفتصد تن از دانشجویان مسلمان برگزار کند؛ برنامه‌ای که حتی از سه شبکه تلویزیونی آمریکا نیز پخش می‌شود. او همچنین یکی از دانشجویانی است که نخستین تظاهرات بدون ماسک دانشجویان را علیه شاه در آمریکا راه‌اندازی می‌کنند. اسدا...زاده در این مدت مدرک کارشناسی‌ارشد اقتصاد را می‌گیرد اما اطلاع از بازگشت امام<sup>(ه)</sup> به ایران باعث می‌شود مقطع دکتری رشته مدیریت را قبل از نوشتن تز رها کند و خود را به نوفل لوشاتو برساند. امام<sup>(ه)</sup>ا گفته است «کسی همراهش نباید، پس او و چندتن از دوستانش عازم سوریه می‌شوند تا از آنجا به ایران بیایند. در همان چندروزی که در سوریه است، با همکاری یک روحانی متعهد و چندتن از دانشجویان انقلابی، سفارت ایران در دمشق را اشغال می‌کنند و عکس امام<sup>(ه)</sup> را بر سر در سفارت نصب می‌کنند.

## همکاری با شاخه مشهد حزب جمهوری اسلامی

اسدا...زاده پس از ورود به ایران، به شهر زادگاهش برمی‌گردد و به سبب آشنایی با سیدعبد‌الکریم هاشمی نژاد همکاری خود را با شاخه مشهد حزب جمهوری اسلامی آغاز می‌کند و در دبیرستان ها و دانشگاه فردوسی جلسات تدریس اقتصاد اسلامی را برگزار می‌کند. در این مدت او همچنین انجمن اسلامی دانش آموزان خراسان را پایه‌گذاری می‌کند. اسدا...زاده سال ۱۳۵۸ با یکی از شاگردانش که در کلاس های اقتصاد اسلامی دانشگاه شرکت می‌کند، ازدواج می‌کند و عازم تهران می‌شود. در تهران باتوجه به سابقه علمی و مبارزاتی اش، به عنوان نخستین مدیرعامل صندوق ضمانت صادرات وزارت بازرگانی انتخاب می‌شود اما در اسفند همین سال از طرف حزب جمهوری اسلامی و از مشهد نامزد نخستین دوره مجلس شورای اسلامی می‌شود که به مجلس راه نمی‌یابد.

## معاون خوش فکر وزارت بازرگانی

اسدا...زاده در ادامه حضورش در تهران، هم‌زمان با فعالیت در وزارت بازرگانی، تدریس علوم اقتصادی و بازرگانی را در مدرسه عالی بازرگانی ادامه می‌دهد. در همین ایام که مصادف با نخست‌وزیری محمد علی رجایی است، به منظور جلوگیری از هدررفتن بیت‌المال و برجیدن نظام بوروکراسی، طرح ادغام دو مرکز تابعه وزارت بازرگانی را ارائه می‌دهد که اجرا نیز می‌شود. سپس مسئولیت اداره کل غله و خدمات بازرگانی استان تهران را برعهده می‌گیرد و در نهایت در سال ۱۳۶۰، باتوجه به سوابق درخشان و توانمند و نظریه پردازی هایش در بخش اقتصاد و بازرگانی، به عنوان معاون بازرگانی خارجی وزارت بازرگانی انتخاب می‌شود. اگرچه دوران تصدی اسدا...زاده بر این مسئولیت کوتاه است اما در همین مدت هم نقش مؤثری در اجرایی‌کردن اصل ۴۴ قانون اساسی ایفا می‌کند و با کمک همکاران خود در این وزارتخانه، طرح لایحه دولتی‌کردن تجارت خارجی را تهیه و به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌کند. او همچنین در این مدت موفق می‌شود با مدیریت صحیح و منسجم، مراکز تهیه و توزیع کالا برای خریدهای دولتی را به «امركز ارتقا دهد، بمب منافقین اما مجال آن را نمی‌دهد که این نظریه پرداز خوش فکر حوزه اقتصاد و بازرگانی، خدمتش را به ایران و مردمش ادامه دهد. او در تیرماه ۱۳۶۰ بار دیگر به مشهد برمی‌گردد، اما این بار به عنوان شهید جواد اسدا...زاده و در خاک عطرآگین حرم مطهررضوی آرام می‌گیرد.



## دنبال منیت نبود

متولد مشهد مقدس هستم. در سال ۱۳۵۸ بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه الزهرا<sup>(ع)</sup> تهران، به مشهد بازگشتم و برای ارتقای سطح آگاهی در کلاس های شهید اسدا...زاده که در دانشگاه فردوسی درباره اقتصاد اسلامی برگزار می‌شد، شرکت کردم. بعد از مدتی، باتوجه به اینکه بنده و شهید اسدا...زاده از نظر عقاید و طرز تفکر به هم نزدیک بودیم، از من خواستگاری کرد. بعد از آشنایی خانواده ها و برگزاری مراسم خواستگاری، توسط شهید هاشمی نژاد به عقد هم درآمدیم. زندگی مشترک من و شهید اسدا...زاده در تهران آغاز شد. روز هفتم تیرماه ۱۳۶۰ شهید اسدا...زاده که معاون وزیر بود، مطالبی درباره تورم و مسائل اقتصادی آماده کرد؛ موضوع اصلی آن جلسه درباره رئیس جمهور آینده و بحث اقتصاد کشور بود.

معمولا جلسات تا ساعت یک شب طول می‌کشید؛ بنابراین نگران نبودم. ساعت ۵ صبح هشتم تیر دیدم خبری از همسرم نیست. با منزل شهید اسلامی تماس گرفتم. ابتدا کسی گوشی را جواب نمی‌داد. دوباره که تماس گرفتم، خبر انفجار حزب جمهوری اسلامی را شنیدم. همسر شهید اسلامی گفت: آیتا... بهشتی، آقای اسلامی، همسرم و دیگر اعضای حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسیده‌اند. باتوجه به اینکه بعد از انقلاب شاهد ترور مردم و شخصیت های برجسته دیگری توسط منافقین بودیم، آمادگی رویارویی با این اتفاق را داشتم. قطعاً کسی که در راه اعتلا و پیشرفت اسلام وارد کارهای اجتماعی و سیاسی می‌شود، خودش را برای شهادت آماده می‌کند. همسرم باتقوا بود و در حرف هایش «منیت» نداشت. بعد از شهادتش او را شناختم؛ او هرگز کارها و فعالیت هایش را در خانواده مطرح نمی‌کرد و بعد از شهادتش بود که برادرم می‌گفت: «برای من عجیب است کسی این قدر فعالیت و دیدی وسیع به مسائل سیاسی و اجتماعی داشته باشد و هیچ‌گاه منم منم نکند.»

صدیقه اختیاری، همسر شهید اسدا...زاده



مشهد، به‌صورت هم‌زمان، در تهران نیز به فروش می‌رسید و مرکز توزیع آن در پایتخت مغازه «زنبور عسل» بود، فروشگاه‌ای که فعلا از مکان دقیق آن اطلاعی نداریم. ظاهراً این کارخانه در دهه ۱۳۲۰ تعطیل شد، چون از تبلیغات مربوط به آن در روزنامه‌های فعال این دهه، مانند روزنامه خراسان و آفتاب شرق اثری نیست.

مشهد قدیم

گذری بر تاریخ تأسیس کتابخانه عمومی مشهد

در قرن ۱۴ خورشیدی

۱۰۰ سال با کتابخانه «دکتر علی شریعتی»



کتابخانه معارف خراسان (شریعتی امروز)، واقع در باغ نادری مشهد، ۱۳۰۲ خورشیدی

فریبا فرخدا | مشهد در هشتم تیرماه ۱۳۰۳ خورشیدی برای نخستین بار صاحب یک کتابخانه عمومی می‌شود، آن هم به همت سید حسین موسوی نسل، معروف به «ادیب بجنوردی» (۱۲۶۱-۱۳۴۱).

روایت است که او در این دوران نامه‌ای به سلیمان میرزا اسکندری، وزیر فرهنگ وقت، می‌نویسد و تأسیس یک کتابخانه عمومی در مشهد را پیشنهاد می‌دهد؛ پیشنهادی که با موافقت وزیر فرهنگ به سرانجام می‌رسد و ابتدا تابلوی «کتابخانه معارف خراسان» بر سر در آن می‌نشیند. پس از سقف و ستون خوردن بنای کتابخانه، نوبت به تجهیز آن می‌رسد. برابر اسناد باقی‌مانده، در این دوران نامه‌ای از سوی اداره فرهنگ برای ادوارد براون، ایران شناس برجسته انگلیسی (۱۸۶۲-۱۹۲۶)، ارسال می‌شود.

در این نامه از براون می‌خواهند چند جلد کتاب با موضوع ایران‌شناسی برای این کتابخانه بفرستد. براون می‌پذیرد و در پاسخ، نامه‌ای به همراه نوزده جلد کتاب برای اداره فرهنگ خراسان ارسال می‌کند که اصل این نامه در سوابق کتابخانه موجود است. این کتابخانه که ابتدا در محل باغ نادری مشهد قرار داشته است، بعدها به کتابخانه عمومی «فرهنگ و هنر مشهد» معروف و مکان آن هم چند مرتبه جابه‌جا می‌شود اما در نهایت، ۱۹ آبان ۱۳۳۹ به محل فعلی خود، یعنی خیابان امام خمینی<sup>(ع)</sup> مشهد، نرسیده به میدان شهدا، جنب سازمان آموزش و پرورش، انتقال پیدا می‌کند.

در این کتابخانه دفتر یادبودی وجود دارد که در ابتدای آن نوشته‌ای بدون امضا وجود دارد که به‌نظر می‌رسد به قلم کنابدار قدیمی کتابخانه نگاشته شده است و در آن تاریخچه مختصری از روند شکل‌گیری و پیشینه کتابخانه سیاه شده است. در این یادداشت آمده است: «در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی بخش نامه‌ای به شماره ۲۹۱۶ از طرف وزارت فرهنگ صادر شده و به ادارات معارف توصیه گردیده است که برای روشن کردن افکار عمومی در هر جا امکان داشته باشد، کتابخانه‌ای تأسیس کنند ولی در ضمن همان دستور یادآور شده‌اند که وزارت فرهنگ برای این کار اعتباری ندارد و باید سعی کنند از مساعدت خیرخواهان استفاده کنند. از همان موقع اولیای وقت فرهنگ خراسان برای اجرای این دستور کوشش و تلاش خود را آغاز کرده‌اند.

پس از گذشتن دوسال و نیم از طرف آقای ادیب بجنوردی (موسوی نسل)، کفیل فرهنگ خراسان، گزارشی به شماره ۱۷۲۷/۵، در جدی ۱۳۰۲ به مقام وزارت فرهنگ تقدیم و تقاضا شده است که اجازه دهند از محل اعتبارات صرفه جویی شده، تعدادی کتاب و مقداری اثاثیه به منظور ایجاد قرائت‌خانه و کتابخانه خریداری شود. مرحوم سلیمان میرزا (وزیر فرهنگ وقت) طی نامه شماره ۵۹۱۷ در ۲۱ دلو ۱۳۰۲ که در جواب پیشنهاد مزبور نوشته، با تأسیس کتابخانه‌ای به نام کتابخانه معارف در مشهد موافقت نموده است.

با استفاده از این اجازه، تعدادی کتاب از مصر و انگلستان و پاریس خریداری شده و مقداری نیز اثاثیه تهیه گردیده است. کتابخانه اما در مکان نخستین خود، بیش از شش سال دوام نکرد و چون شهرداری تصمیم گرفته بود در باغ ملی مهمان‌خانه‌ای دایر کند، اداره فرهنگ ناگزیر محل آن را تخلیه کرد و با موافقت آقای محمودفرخ، نایب‌رئیس اطاق بازرگانی، یکی از سالن‌های اطاق بازرگانی به کتابخانه اختصاص یافت ولی دیری نپایید که موضوع نمایشگاه کالا پیش آمد و در اطاق بازرگانی نیز جا بر کتابخانه تنگ شد و ناچار در اوایل بهمن ۱۳۳۷ کتابخانه به یکی از عمارات استیجاری فرهنگ، واقع در خیابان خسروی منتقل گردید.

این ناسامانی و خانه به‌دوشی کتابخانه، اولیای فرهنگ را برآن داشت که به فکر ایجاد محل مناسبی برای کتابخانه بیفتند. به همین نظر آقای اکبر کوثری، مدیرکل وقت فرهنگ، اولین قدم را در این راه برداشتند و به باری چندتن از کتاب‌دوستان و دانشمندان، برای تحقق یافتن این هدف به تلاش پرداختند و این فکر را با جناب آقای رضا جعفری، استاندار وقت، در میان گذاشتند.

ایشان نیز با سابقه علاقه‌ای که به فرهنگ داشتند، این فکر را دنبال کردند و طی دو جلسه که با حضور آقایان کوثری، مدیرکل فرهنگ، دکتر علی‌اکبر فیاض، رئیس دانشکده ادبیات، مؤید ثابتی، نماینده مجلس سنا، محمود فرخ، علی قرشی، نماینده مجلس شورای ملی، محمد طاهر بهادری، رئیس فرهنگ، و عباس کفائی رضوی، معاون فرهنگ (رئیس فعلی فرهنگ مشهد)، تشکیل دادند، مقدمات بنای کتابخانه را فراهم ساختند و کمیسیونی به نام کمیسیون ساختمان کتابخانه فرهنگ مرکب از نام‌برگان، زیر نظر آقای علی‌اکبر کوثری، مدیرکل فرهنگ خراسان، آقای محمد طاهر بهادری، رئیس فرهنگ مشهد، آقای ماکوئی‌پور، رئیس شرکت نفت ملی، آقای صرافان بازرگان، آقای عباس کفائی، معاون فرهنگ مشهد، آقای محمد زوار، رئیس دبیرستان شاهرضا، آقای مهندس غفرانی‌ها تشکیل گردید و موضوع ساختمان کتابخانه وارد مرحله عمل گردید و بدین ترتیب سنگ بنای کتابخانه در محل فعلی گذاشته شد.»

اکنون در این کتابخانه که امسال صدسالگی راپشت سر می‌گذارد، بیش از ۴۰ هزار کتاب و ۸۵ عنوان نشریه استانی و کشوری با موضوعات مختلف و برای همه سنین وجود دارد. همچنین بیش از ۱۵۰۰ نفر در بخش های متعدد آن عضویت دارند. در کنار این تدوین قدیمی ترین آرشیو نشریات مشهد و همچنین روزنامه های پیش از انقلاب اسلامی (از دهه ۲۰ تا اواسط دهه ۶۰) صحافی شده است و در آن نگهداری می‌شود و پژوهشگران می‌توانند با تهیه عکس از این منابع استفاده کنند.

مشهدیات